



Ali Hamed Haghdoust



# راز نفرت مردم ایران از استکبار جهانی

سید روح‌الله لطیفی؛ محقق مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات حوزه علمیه قم

سیزده آبان هر سال یادآور حماسه‌های کم‌نظیری در تاریخ ملت ایران می‌باشد که یکی از آنها تسخیر لانه جاسوسی آمریکا می‌باشد. سی و سه سال پیش در چنین روزی دانشجویانی که خود را دانشجویان مسلمان پیرو خط امام می‌نامیدند، در یک حرکت خودجوش و انقلابی، به سمت سفارتخانه آمریکا در تهران حرکت کرده، پس از شکستن مقاومت تفنگداران آمریکایی مستقر در محل، وارد آن شده و سفارتخانه را به تسخیر خود درآوردند. آنان پس از تسخیر این محل به اسناد و مدارکی دست یافتند که نشان می‌داد که این محل نه یک سفارتخانه بلکه یک اتاق جنگ برای بر هم زدن نظم و امنیت ملی و انواع توطئه در گوشه و کنار کشور و نیز مرکزی برای فعالیت‌های جاسوسی و هماهنگی با عناصر مرتبط با خود در داخل ایران می‌باشد و از همان‌جا راز توطئه‌های هر روزه در گوشه و کنار کشور و هماهنگی‌های برخی عناصر داخلی با منویات شیطان بزرگ، آشکار شد؛ به‌گونه‌ای که از مجموع اسنادی که عوامل سفارت نتوانسته بودند، آنها را محو کنند، ۵۰ جلد کتاب انتشار یافت که به افشای بسیاری از عوامل مرتبط باالائه جاسوسی و نقش‌آفرینی آمریکا در توطئه‌هایی که آرامش و امنیت را از ملت ایران سلب کرده بود، منجر گردید.

امروزه با گذشت چند دهه از پیروزی انقلاب اول و دوم ملت ایران، آمریکا تبدیل به نماد شیطان شده است که ملت‌های آزاده جهان، به‌صورت مستمر بر علیه آن تظاهرات به‌پا می‌کنند، پرچم آن کشور را که نماد استکبار و تفرعن آمریکاست، به آتش می‌کشند و سفارتخانه‌های آن را در اقصی نقاط دنیا مورد تهدید قرار می‌دهند؛ این نفرت از آمریکا به‌گونه‌ای است که حتی مؤسسات نظرسنجی آمریکایی نیز، آن را اعلام کرده‌اند؛ به‌عنوان مثال مؤسسه نظرسنجی گالوپ در این زمینه چنین گزارش می‌دهد:

«همه مسلمانان تفرغ خود را نسبت به جهان غرب نشان داده‌اند. این امر در نظرسنجی که از ده هزار نفر در نه کشور مسلمان در دسامبر ۲۰۰۱ تا ژانویه ۲۰۰۲ انجام شد، مورد تأیید قرار گرفت».

در این میان سؤالی که پیش می‌آید این است که به‌راستی، راز این همه نفرت از یک کشور چه می‌تواند باشد؟

برای پاسخ به این سؤال لازم است، به پیشینه عملکرد ایالات متحده آمریکا نگاهی داشته باشیم. آمریکا کشوری است که پس از سال‌ها تحت‌الحمایگی دولت پادشاهی انگلیس درسال ۱۷۷۶ میلادی، استقلال خود را اعلام نمود؛ اما تا اوایل قرن بیستم میلادی، سیاستی که بر روابط خارجی این کشور حاکم بود، عبارت بود از: سیاستی با عنوان «انزواطلبی» که بر اساس آن، ایالات متحده آمریکا، هیچ تمایلی برای مداخله در امور کشورهای دیگر نداشت؛ البته این سیاست از دهه دوم قرن نوزدهم میلادی و به دنبال ارائه دکترین مونروئه، به تغییراتی همراه شد و دامنه انزواطلبی را از کشور آمریکا به قاره آمریکا گسترش داد. به این معنا که آمریکا با اعلام دکترین مونروئه اعلام کرد: تمایلی برای دخالت در امور کشورهای دیگر ندارد؛ ولی در عین حال از دخالت دیگر کشورها در قاره آمریکانیز جلوگیری خواهد کرد. به این ترتیب آمریکا دامنه دخالت خود را از محدوده سرزمینی کشور آمریکا به قاره آمریکا کشاند و این سیاست تا زمان جنگ‌های جهانی اول و دوم و اعلام دکترین‌های روزولت و ترومن مبنی بر حق مداخله آمریکا در نیم‌کره غربی و سپس تمامی کره زمین ادامه یافت. از آن پس دولت آمریکا از دولت نسبتاً ساکت سابق، تبدیل به دولتی شد که نه‌تنها خود را مجاز به دخالت در

کشورهای دیگر می‌دید؛ بلکه فکر حاکمیت بر کل جهان را در سر می‌پروراند و از آنجایی که جنگ جهانی دوم در مقابل خسارت ناچیز وارده به آمریکا، خسارت‌های بی‌شماری به کشورهای قدرتمند غربی وارد کرده بود، بهترین فرصت برای بسط سلطه و نفوذ آمریکا در جهان فراهم شد. پس از این مقطع، شاهد آن هستیم که رسماً جهان به دو بخش سلطه‌گر و سلطه‌پذیر تقسیم می‌شود و در بخش جهان سلطه‌گر نیز، دو قدرت ظهور و بروز پیدا می‌کنند که رهبری یکی از آنها با ایالات متحده آمریکا و رهبری دیگری، با شوروی سابق می‌باشد؛ اما فارغ از مرام‌ها و ایدئولوژی‌های به‌ظاهر متفاوتی که این دو گروه ارائه می‌دهند، هر دوی آنها از نظر سلطه‌گری یکسان بوده و فکر ایجاد سلطه بر تمام دنیا را در سر می‌پروراند. در این میان آمریکا در طول این سال‌ها به‌ویژه از سال‌های دهه هشتاد میلادی که قدرت ابرقدرت شرق، به‌تدریج نشانه‌های افول خود را آشکار می‌کرد، بیشترین اقدامات نظامی، اقتصادی و حتی فرهنگی را در جهت بسط سلطه خویش بر سرتاسر جهان داشته است که این امر در اصل، برخاسته از ماهیت و ذات برتری طلبانه غرب می‌باشد.

شواهد نشان می‌دهد، جهان غرب در دوران‌های مختلف، جلوه‌هایی از برتری طلبی و تفوق را بی‌گیری کرده است؛ اگرچه این امر بر اساس مؤلفه‌ها و شاخص‌های اقتصادی، نظامی، فنی و ابزاری انجام گرفته است؛ اما نمی‌توان نسبت به مؤلفه‌های ایدئولوژیک، فرهنگی و سیاسی جهان غرب بی‌تفاوت بود. چنین قابلیت‌هایی به شکل‌گیری شرایطی منجر گردیده است که بر اساس آن، جهان غرب ماهیت سلطه‌جو، تأثیرگذار و تحریک‌کننده پیدا نماید. به هر میزان فاصله قدرت کشورهای غربی با دیگران افزایش یابد، جلوه‌هایی از برتری طلبی نیز ظاهر می‌گردد. طرح موضوعاتی همانند: «پایان تاریخ» و «عصر تک‌قطبی»، بیانگر جلوه‌هایی از برتری طلبی جهان غرب محسوب می‌شود.<sup>۱</sup>

به‌طورکلی برتری طلبی و سلطه‌جویی، عناوینی هستند که در آموزه‌های دینی نیز، از آن یاد شده است و با واژه‌هایی همچون استکبار، بغی، بطر، عتو و طغیان در مورد آن سخن به میان آمده است و خداوند متعال نیز، یکی از اصلی‌ترین رسالت‌های انبیاء ﷺ را مبارزه با طغوت‌ها و گردن‌کشان ذکر می‌کند.<sup>۲</sup>

در دیدگاه قرآنی مستکبران و سلطه‌طلبان در برابر مستضعفان قرار می‌گیرند و این گروه، علاوه بر غارت سرمایه‌های مادی مستضعفان، فرهنگ، دین و آئین و به‌طور کلی داشته‌های معنوی آنها را هم مورد هجوم خود قرار داده و از طریق آنچه امروزه تهاجم فرهنگی نامیده می‌شود، زمینه‌های گمراهی آنان را فراهم می‌آورند. آنان در این راستا هرگونه جنایتی را نسبت به کسانی که فرهنگ آنها را قبول نکنند، روا می‌دارند.<sup>۳</sup>

از نظر قرآن مستکبران، به‌اندازه‌ای در استکبار خود پیش می‌روند که خود را ابرقدرت بلامنعاز جهان دانسته و با صدای رسا اعلام می‌دارند: «مَنْ أَضَدُّ مَثًا فَوْقَهُ؟» یعنی چه کسی از ما قوی‌تر و برتر است؟! آنان هرگز حاضر به شنیدن سخنان هدایت‌گرانه نیستند و به هر طریق ممکن، هرگونه منفذی را که راهی به سوی حقیقت و هدایت می‌گشاید، می‌بندند و بر استکبار خویش می‌افزایند.<sup>۴</sup>

امروزه نیز در میان کشورهای جهان، از آمریکا به‌عنوان نماد «برتری طلبی و سلطه‌جویی غرب، یاد می‌شود؛ کشوری که در زمان جنگ سرد، خود

را رهبر بلوک غرب می‌خواند و پس از فروپاشی بلوک شرق، رسماً از «نظم نوین جهانی»، لزوم تک‌قطبی شدن جهان به‌رهبری ایالات متحده آمریکا و رسالت‌های این کشور در بسط ارزش‌های مورد قبول خود در دنیا، سخن می‌راند. این کشور در طول تاریخ ورود خویش به عرصه تحولات بین‌المللی، همواره نقاط مختلف جهان را عرصه تاخت و تازهای خویش قرار داده، جنایت‌های فراوانی در حق ملت‌های جهان انجام داده است که در یک مورد آن؛ یعنی حمله اتمی به دو شهر هیروشیما و ناکازاکی حدود دویست هزار نفر تنها در عرض چند دقیقه نابود شدند و در موردی دیگر، بیش از یک میلیون ویتنامی در جریان جنگ ویتنام، توسط نظامیان آمریکایی و متحدانش قتل عام شدند. علاوه بر این دو مورد، آمریکا در کشورهای فراوانی اقدام به مداخله نظامی کرده است که ازجمله آخرین موارد آنها می‌توان به مداخله نظامی در عراق، افغانستان، سومالی، سودان و... اشاره کرد. علاوه بر مداخلات نظامی، باید از کمک‌های آمریکا به براندازی دولت‌های مختلف و حمایت از استقرار رژیم‌های دیکتاتوری و ضد مردمی اشاره کرد که برخی از آنها عبارتند از: کودتای ۲۸ مرداد که منجر به سقوط دولت مصدق و بسط دیکتاتوری پهلوی گردید، کودتای آمریکایی ژنرال پینوشه بر علیه سالوادور آلنده رئیس‌جمهور شیلی، روی کار آوردن فردیناند مارکوس دیکتاتور فیلیپین، کودتا بر علیه دولت (جاکوبو اربنز) در گواتمالا که این اقدام منجر به آغاز دوران ۴۰ ساله جوخه‌های مرگ، شکنجه، آدم‌رایی، اعدام‌های دسته‌جمعی و بی‌رحمی غیرقابل تصویری شد که بیش از ۱۰۰ هزار انسان را به کام مرگ کشانید و ... امروزه نیز که شاهد تحولات بیداری اسلامی در جهان هستیم، نقش آمریکا را در حمایت از دیکتاتورهای مرتجع منطقه و تلاش برای انحراف در انقلاب‌های پیروزشده، به‌صورت کاملاً آشکار مشاهده می‌کنیم. در مجموع بر اساس تحقیقی که «رابرت الیاس» استاد علوم سیاسی آمریکا انجام داده است، می‌توان لیستی از مداخلات نظامی و سیاسی آمریکا را به این صورت ردیف نمود:

چین (۵۱-۱۹۲۵) / آفریقای جنوبی (دهه ۱۹۶۰ - دهه ۱۹۸۰) / فرانسه (۱۹۴۷) / بولیوی (۷۵-۱۹۶۴) / جزایر مارشال (۵۸-۱۹۴۶) / استرالیا (۷۵-۱۹۷۲) / ایتالیا (۷۵-۱۹۴۷) / عراق (۷۵-۱۹۷۲؛ ۱۹۹۱؛ ۲۰۰۱) / یونان (۴۹-۱۹۴۷) / پرتغال (۷۶-۱۹۷۴) / فیلیپین(۵۳-۱۹۲۵) / تیمور شرقی (۹۹-۱۹۷۵) / کره (۵۳-۱۹۴۵) / اکوادر (۱۹۷۵) / آلبانی (۵۳-۱۹۴۹) / آرژانتین (۱۹۷۶) / اروپای شرقی (۵۶-۱۹۴۸) / پاکستان (۱۹۷۷) / آلمان (دهه ۱۹۵۰) / آنگولا (دهه ۱۹۸۰ - ۱۹۷۵) / ایران (۱۹۵۳) / جامائیکا (۱۹۷۶) / گواتمالا (دهه ۱۹۹۰ - ۱۹۵۳) / هندوراس (دهه ۱۹۸۰) / کاستاریکا (واسطه دهه ۱۹۵۰؛ ۷۱-۱۹۷۰) / نیکاراگوئه (دهه ۱۹۸۰) / خاور میانه (۵۸-۱۹۵۶) / فیلیپین (دهه ۱۹۹۰؛ دهه ۱۹۷۰) اندونزی (۵۸-۱۹۵۷) - «سیشل» (۸۱-۱۹۷۹) / هائیتی (۱۹۵۹) / جنوب یمن (۸۴-۱۹۷۹) / اروپای غربی (دهه ۱۹۶۰؛ دهه ۱۹۵۰) / کره جنوبی (۱۹۸۰) / «گیانا» (۶۴-۱۹۵۳) / چاد (۸۲-۱۹۸۱) / عراق (۶۳-۱۹۵۸) - «کرنادا» (۸۳-۱۹۷۹) / ویتنام (۵۳-۱۹۴۵) / «سورینام» (۸۴-۱۹۸۲) / کامبوج (۷۳-۱۹۵۵) / لیبی (۸۹-۱۹۸۱) / لاوس (۷۳-۱۹۵۷) / فیجی (۱۹۸۷) / تایلند (۷۳-۱۹۶۵) / پاناما (۱۹۸۹) / اکوادر (۶۳-۱۹۶۰) / افغانستان (۹۲-۱۹۷۹) / کنگو (۷۸-۱۹۷۷؛ ۶۵-۱۹۶۰) / ال سالوادر (۹۲-۱۹۸۰) / الجزایر (دهه ۱۹۶۰) / هائیتی (۹۴-۱۹۸۷) / برزیل (۶۴-۱۹۶۱) / بلغارستان (۹۱-۱۹۹۰) / پرو (۱۹۶۵) / آلبانی (۹۲-۱۹۹۱) / جمهوری دومینیکن (۶۵-

فتنه‌انگیزی در سال‌های مختلف که اوج آن مربوط به فتنه آمریکایی- اسرائیلی ۸۸ بود که وزیر خارجه سابق آمریکا صریحاً به دخالت دولت متبوع خود در این ماجرا اعتراف کرد؛<sup>۵</sup> هرچند علاوه بر این اعتراضات، ده‌ها شاهد دیگر مبنی بر نقش‌آفرینی آمریکا و برخی کشورهای غربی دیگر در این فتنه وجود داشت.

در هر صورت رفتارشناسی آمریکا و هم‌پیمانانش در طی این سال‌ها، حاکی از آن است که این کشورها به انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان دشمن اصلی خود نگاه می‌کنند که معنای آن این است که استکبارستیزی، بخشی از راهبرد این انقلاب را تشکیل می‌دهد تا جایی که با ناامید شدن از براندازی نظام جمهوری اسلامی، حاضرند تا واقعیتی به‌نام نظام جمهوری اسلامی ایران را بپذیرند؛ به‌شرطی که نظام از رفتارهای انقلابی خود دست بردارد؛ به‌عنوان مثال یکی از اصلی‌ترین جناح‌های تأثیرگذار بر سیاست خارجی آمریکا در شورای روابط خارجی این کشور به‌نام «بنیاد هریتج»، در استراتژی که یکی از بنیان‌های سیاست خارجی آمریکا نسبت به ایران قرار گرفته است، با اشاره به عدم امکان براندازی کوتاه‌مدت انقلاب اسلامی، هدف دراز مدت آمریکا را در قبال جمهوری اسلامی ایران، تلاش برای تعدیل سیاست‌ها و رفتار انقلابی ایران اعلام نمود. در این استراتژی در این زمینه چنین آمده است: «انقلاب ایران

خود را مستحکم کرده و مخالفین خود را در هم کوبیده تا حدی که یک انقلاب یا یک کودتا در آینده نزدیک غیرممکن است... سیاست استراتژیک آمریکا درحالی‌که در کوتاه‌مدت دارای اهرم‌های منفی است، در درازمدت، باید ایالات متحده اهرم‌های مثبت قابل تعمقی به ایران برای تعدیل سیاست خارجی انقلابی‌اش پیشنهاد کند. آمریکا باید بکوشد، با برقراری یک رابطه سازنده با ایران، این کشور را از اهداف انقلابی‌اش دور و انقلاب ایران را در همان کشور محصور کند».<sup>۶</sup>

نتیجه اینکه با بررسی ماهیت انقلاب اسلامی، مواضع و عملکرد رهبران و سیر تحولات تاریخی انقلاب اسلامی و نیز رفتارشناسی استکبار جهانی، می‌توان دریافت که استکبارستیزی در کنار استبدادستیزی، همواره بخش مهمی از اصول انقلاب اسلامی ایران بوده و هست.

منبع: مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات حوزه‌های علمیه

#### ● پی‌نوشت‌ها

- ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، به کوشش عبدالله شهزادی، ج۲، ص ۳۴؛
- «یلدبعثانی کلامه رسولان اعدی‌الله واجتنبوا الطاغوت»، نحل: ۳۶؛
- «لَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ نَصِيحًا»، نساء: ۱۴؛
- رک: صحیفه امام، ج۱، ص ۴۰۹؛

(۱۹۶۳) / سومالی (۱۹۹۳) / کوبا (۱۵۹۹ تاکنون) / عراق (دهه ۱۹۹۰) / اندونزی (۱۹۶۵) / پرو (۱۹۹۰ تاکنون) / غنا (۱۹۶۶) / مکزیک (۱۹۹۰ تاکنون) / اروگوئه (۷۲-۱۹۶۹) / کلمبیا (۱۹۹۰ تاکنون) / شیلی (۷۳-۱۹۶۴) / یوگسلاوی (۹۹-۱۹۹۵) / یونان (۷۴-۱۹۶۷) / افغانستان (۲۰۰۱)<sup>۷</sup> در این میان نقش سفارتخانه‌های آمریکا را در طراحی و اجرای توطئه‌های مختلف بر علیه ملت‌های آزاد و مستقل در سرتاسر جهان نباید فراموش کرد؛ به‌گونه‌ای که اگر آمریکا سفارت خود را در کشور و منطقه‌ای احداث می‌کند، نصب نمودن دستگاه‌های مختلف برای استراق سمع و جاسوسی از اقدامات اولیه و طراحی و پیاده نمودن تئورهای گوناگون، ایجاد رعب و وحشت، تبلیغات دروغین، تهاجم فرهنگی و نابود نمودن اقتصاد آن کشور و محتاج نمودن آن کشور به آمریکا، تا دست گدایی را به سوی آمریکا و صهیونیست بین‌الملل دراز نماید و... از اقدامات ثانویه اوست. جان دونچ رئیس سابق سازمان سیا که یک صهیونیست می‌باشد، در تاریخ ۲۲ فوریه ۱۹۹۶ میلادی در حضور کمیته امنیت ملی اطلاعاتی (جاسوسی) مجلس سنای آمریکا، گفت: «سازمان سیا در بعضی عملیات خود از روزنامه‌نگاران آمریکایی استفاده می‌کند». اگر آمریکا برای ارتکاب جنایت، حتی از روزنامه‌نگاران خود استفاده می‌کند، حال تصور کنید که بُعد جنایتانی که سفارت‌های آمریکا مرتکب می‌شوند، تا چه حد است!<sup>۸</sup>

آنگون با توجه به مطالب بالا می‌توان بخشی از رازهای نفرت جهانی از آمریکا را درک کرد که عبارت است از: ذات برتری طلبانه سیاست‌های آمریکا در جهان که در فرهنگ دینی از آن به استکبار یاد می‌شود و ریشه بسیاری از رفتارهای وی از جمله حمایت از دولت‌های استبدادی، تجاوز به کشورها، توطئه بر علیه ملت‌های مستقل و آزاد، حمایت مادی و معنوی از رژیم صهیونیستی، حمایت از اهانت بر علیه مقدسات اسلامی، تحریم اقتصادی ملت‌های مستقل، تحریم رسانه‌های دیداری و شنیداری مغایر با سیاست‌های سردمداران غرب و ... و به‌همین دلیل، امام خمینی رحمه‌الله این کشور را «شیطان بزرگ» نامید که دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان به شمار می‌آید و هرگونه تسلیم شدن انسان مسلمان در برابر آن، بی‌معناست و گروگان‌گیری توسط دانشجویان مسلمان و مبارز و متعهد نیز، عکس‌العمل صدماتی است که ملت ما از آمریکا خورده است.<sup>۹</sup>

#### ● پی‌نوشت‌ها

- خبر مؤسسه نظرسنجی گالوپ، تاریخ ۲۷ فوریه ۲۰۰۲ به‌نقل از ابراهیم متقی، روزاریبی غرب معاصر با جهان اسلام، ص ۳۵.
- Isolationism.
- ابراهیم متقی، پیشین، ص ۲۶؛
- نحل: ۴؛
- همان‌گونه که طبق نقل آیه ۸۸ سوره اعراف، سران مستکبر قوم شعیب علیهم‌السلام از وی می‌خواهند، با آئین آنها را بپذیرد و با اینکه آماده اخراج از خانه و کاشانه‌شان باشند.
- فصلت: ۱۵؛
- نوح: ۷؛
- خبرگزاری فارس، محقق آمریکایی بررسی کرد، آماری از تعداد قربانیان دخالت نظامی و غیرنظامی آمریکا در جهان، ۹/۱۰/۹۰؛
- سیدهاشم مروی‌رخی، آمریکا بدون نقاب، انتشارات کیهان، ص ۳۲؛
- صفحه نور، ج ۱۳، ص ۸۳ (۱۳۹۱/۶/۲۱).

- صحیفه امام، همان؛
- همان، ج۲، ص ۲۷۸؛
- همان، ج۳، ص ۴؛
- او به تنهایی یک امت بود، یادنامه شهید مظلوم بهشتی، بنیاد شهید انقلاب اسلامی، تهران، نشر بنیاد شهید انقلاب اسلامی، بی تا، ص ۲۷۶-۲۷۵، نقل از ارمان دموکراسی، صادق سلیمی‌بنی، نشر معارف، ص ۲۳۵.
- اصل ۱۵۲- سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس نفی هرگونه سلطه جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت‌ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم‌تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز مقابل با دول غیرمحابرب استوار است.
- اصل ۱۵۳- هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر کشورگرد ممنوع است.
- اصل ۱۵۴- جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان درکل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین درعین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.
- رک: صحیفه امام، ج۱۳، ص ۹۴۳.
- همان، ج۱۲، ص ۳۳۴.
- رک: خبرگزاری فارس، گزارش فارس از خاطرات کلینتون با موضوع ایران درسال ۸۸
- نشریه کیهان هوابی، ۱۳/۱۲/۱۳۶۶، نقل از ارمان دموکراسی، صادق سلیمی‌بنی، نشر معارف، ص ۳۰۱.

ادامه از صفحه ۵

همچنین به‌دلیل همین رویه استکبارستیزانه انقلاب اسلامی ایران بود که با ورود دانشجویان پیرو خط امام به سفارتخانه آمریکا و تسخیر آن و به دنبال آن بر ملا شدن نقش‌آفرینی آمریکا در توطئه‌های مختلفی که در کشور جریان داشت، رهبران انقلاب و به‌ویژه امام خمینی رحمه‌الله از آن حمایت کرده و حتی آن را همچون انقلاب خواندند که بزرگتر از انقلاب اول است.<sup>۱۰</sup> پس از قطع رابطه یک‌جانبه آمریکا با ایران نیز، حضرت امام خمینی رحمه‌الله با صدور پیامی، این ماجرا را به‌فال نیک گرفت و اعلام نمود: اگر ملت ایران به‌خاطر این ماجرا جشن بگیرند، حق دارند».

۳. رفتارشناسی سردمداران نظام استکبار؛ به‌عبارت دیگر یکی از راه‌های تحلیل نسبت هر انقلابی با بازیگران بین‌المللی به‌ویژه نظام سلطه، بررسی واکنش‌های این بازیگران به رخداد‌های انقلاب و نیز نوع تعامل آن با این انقلاب می‌باشد. از طرفی با بررسی این مؤلفه‌ها در نسبت انقلاب اسلامی ایران با رفتارهای آمریکا و هم‌پیمانانش که ما به‌اختصار نام «نظام سلطه» و یا